

پرونده‌ای برای بلاهایی که شد

منهم

حسین شکیب‌راد

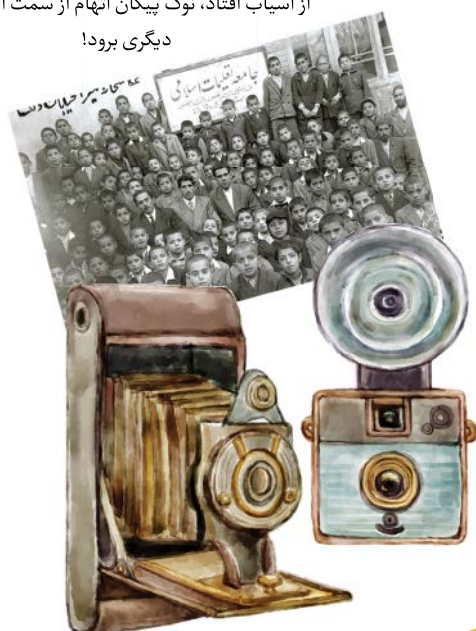
سردبیر
نوجوان

این هفته دقیق‌تر از هفته‌های قبل، ضمیمه تپش روزنامه را خواندم. چندوقتی هم می‌شود که برنامه سرخ را در شبکه نسیم دنبال می‌کنم. ولی باورکنید تشخیص این موضوع که در بسیاری از اتفاقات تلخ و عجیب این روزها مقصر چه کسانی هستند، سخت نیست. متهمان این بار می‌خواهم فقط از تلاش بی‌وقفه یک موجود حرف بزنم. لطفاً تا انتهای مطلب را بخوانید و کلاه‌تان را قاضی کنید.

۴

خدا شاهد است یک زمانی فاصله گفتن دو بار کلمه سبب برای ما لااقل دوهفته طول می‌کشید. دقیقاً عکسی که به یادگار در پایان کلاس با استادمان گرفتیم تا دورهمی خانه مادر بزرگ، بعدش هم کی حوصله داشت برود برای چاپ نگاتیوها. اگر هم این وسط یک نفر قیافه‌اش کج و کوله شده بود، می‌گفتند عیب ندارد خاطره می‌شود.

اما حالا به لطف دوربین‌های چند مگاپیکسلی و ویتترین بی‌پایان و همواره در دسترس اینستاگرام؛ هر لحظه ممکن است در قاب یک عکس قرار داده باشیم و جدای از امنیت و شکستن وقت و بی‌وقت حریم خصوصی باید نگران شویم که چه تصویری از ما در سطح بین‌المللی انتشار پیدا می‌کند. آن وقت یک عده تعجب می‌کنند که نوجوان امروزی چرا باید این همه به سر و شکلیش برسد و نگران بزرگ بودن دماغ و بد ریخت بودن هیكل و ژولیده بودن موهایش باشد. ماجرا وقتی بدتر می‌شود که یک بار سر یک ماجرای بی‌ربط، مثلاً جوگیر شدن در بین دوستان و قمه کشیدن وسط روز روشن در محله‌ای در اصفهان؛ تصاویرت جوری دست به دست بچرخد که همه با شنیدن اسم هلیا، یاد تو بیفتند. خب البته همین جناب اینستاگرام شیک‌پوش که آبرویت را همه جابرده، ممکن است بعداً همین خط را با معروف کردن به اصطلاح جبران کند اما نباید وقتی آب‌ها از آسیاب افتاد، نوک پیکان اتهام از سمت او به سوی دیگری برود!



۱

سرکله‌اش هنوز پیدا نشده بود اما رفقاییش فکر و ذهنم را جوری درگیر خودش کرده بودند که انگار همه برای ورود به زندگی‌شان لحظه شماری می‌کردند. بله صحبت از اینستاگرام است و رفقاییش هم می‌شوند فیسبوک، فرندفید و گوگل پلاس که خیلی قبل‌تر از ظهور این شبکه اجتماعی، مطرح شدند. این برنامه برای معرفی مکان‌های دیدنی، رستوران‌ها و... توسط صاحبان‌شان و کاربران ساخته شده بود و قابلیت بیشتری نسبت به نرم افزارهای مشابه داشت. اما کمی که جلوتر آمدیم و امکانات بیشتری را هم رو کرد، در عرض دو سال حدود ۱۰۰ میلیون عضو پیدا کرد و به یکی از مهم‌ترین رسانه‌های غیررسمی جهان تبدیل شد.

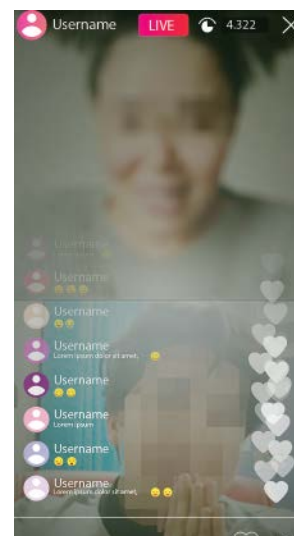
این اپلیکیشن شیک‌پوش و جذاب، خیلی زود جای خود را بین کسانی که دنبال ارتباطات گسترده با اطرافیان و بلکه دورترین انسان‌ها نسبت به محل زندگی‌شان بودند باز کرد، هم پیش کسب و کارهای نوین که جایی برای ارائه محصول و خدمت خودشان می‌گشتند، هم علاقه‌مندان دسترسی به سطح گسترده و تقریباً نامحدود اطلاعات و... اما کسی حواسش نبود که این نفوذ بی‌وقفه در زندگی ما، چه عواقبی به همراه خواهد داشت!



۲

به زور ۱۵ سالش می‌شد. ولی جسارتش چشم همه را خیره کرده بود. البته اگر بشود اسمش را جسارت گذاشت! این‌که با یک چهره معروف یا به قول خودمان شاخ اینستاگرام وارد لایو بشوی و درباره این‌که پست‌های او در این فضا، چه بلایی سر روح و احساسات آورده حرف بزنی و خصوصی‌ترین چیزهایت حتی این‌که با دیدن این تصاویر به گناه هم می‌افتی؛ بازگو کنی و البته عجیب‌تر برای خیلی‌ها حس و حال همان شاخ اینستا بود که لااقل برای چند دقیقه دچار شوک شده بود از شنیدن آواری که رفتارشان در فضای مجازی بر سر یک نوجوان فرو می‌ریخت!

پسرک حتی نمی‌دانست دارد چه بلایی سر خودش و آینده‌اش می‌آورد. این ارمغان تاریک همین دنیای پر رنگ و لعاب شبکه‌های اجتماعی خصوصاً اینستاگرام است که نقشه راه خیلی‌ها را تغییر داده است، چون در دنیای اینستاگرام تو باید بیشتر از بقیه فالوئر داشته باشی تا عزت و احترام به دست بیاوری و خب ممکن است برای این کار لازم باشد دست به هرکاری بزنی. بدون این‌که از عاقبت رفتار با خبر باشی یا اصلاً برایت مهم باشد که اثر آن در دل و ذهن دیگران چیست.



۳

بیشتر از ۴۰۰ هزار دنبال‌کننده منتظر بودند که سر و کله همایون بدون تاج و تخت، با دو ملکه در صفحه شخصی‌شان پیدا شود و ادای مردان بزرگسال طرفدار چند همسری را در بیاورد و چند دقیقه‌ای سرگرم شوند. احمق بودند کسانی که فکر می‌کردند این هم یکی از جلوه‌های سرگرم‌کننده آقای اینستاگرام است و عمق فاجعه را نادیده می‌گرفتند.

البته پیگیری پلیس فتا در پی انتشار اطلاعات و تصاویر مربوط به پشت صحنه ضبط ویدئوهای این صفحه اینستاگرامی نشان داد یک تیم حرفه‌ای که احتمالاً خانواده این کودکان هم عضوی از آن هستند در حال تولید محتوای این صفحه‌اند و این کودکان صرفاً مجریان سناریوهای سخیف از پیش تعیین شده‌ای هستند که تیمی متشکل از بزرگسالان برای شان نوشته و در پشت پرده آن تجارتی پرسود نهفته است.

فرقی نمی‌کند همایون باشد یا این سناریوی پوچ یا مینا، محمد، آنتیا یا هر کودک و نوجوانی که اختیار خود را داده‌اند دست بزرگ‌ترها به ویژه پدر و مادرهایی که از تصاویر فرزندان‌شان به دنبال نان و آبرو برای خود هستند. حتی این‌که صرفاً لباس تن بجهات کنی و تصاویر دلبرانه‌اش را منتشر کنی هم جرم است و هم ظلمی بزرگ به آن فرزند. بلایی که اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی دیگر مثل لایکی سر خانواده‌ها آورده‌اند.

